

روشهای جایگزینی حل و فصل دعاوی در حقوق کیفری*

دکتر ایرج گلدوزیان**

چکیده

موضوع «قضاء زدائی و کیفر زدائی در حقوق جزائی» سبب کاستن از تراکم کار مراجع قضائی، سرگردانی قربانیان تخلفات و جرائم کم اهمیت می‌شود. زیرا کاهش دعاوی کیفری قابل طرح موجب می‌گردد تا به امور قضائی مردم با دقت بیشتری رسیدگی بعمل آید و مردم به اجرای عدالت و انصاف امیدوار گردند. مصادیق روشهای جایگزینی حل و فصل دعاوی در حقوق کیفری که در این مقاله مورد بحث واقع شده است، عبارتند از تخلفات تعزیری از قبیل گرانفروشی، کم فروشی و تقلب، احتکار، عرضه کالا در خارج از شبکه، عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی و غیره. ضمن توجیه قضاء زدائی و کیفر زدائی برای جرائم و تخلفات، مشکل عمده در نحوه کیفیت حق دفاع متخلفین و متهمین و مواردی است که مجازاتهای شدیدی چون حبس ممکن است توسط مقامات غیر قضائی مورد حکم قرار گیرد. کیفرزدائی با تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط و موارد مشابه دیگری نیز امکان پذیر است که باید کاربرد آنها در امور جزائی تعمیم داده شود. کیفرزدائی از چک‌های پرداخت نشدنی موجب کم شده پرونده‌های مطروح و کاهش هزینه نگهداری زندانیان می‌گردد. همچنین ایجاد مراکزی ویژه برای تعلیم و تربیت اطفال و نوجوانان بزهکار و یا سرکش مانع اعزام بعدی آنان به مراجع قضائی بزرگسالان می‌گردد. بدین ترتیب، توصیه‌های پیشنهادی موجب می‌شود تا مراجع قضائی به دعاوی مهم‌تری رسیدگی نموده، با فراغت بیشتری به صدور احکام عادلانه‌تر و منصفانه‌تر مبادرت نمایند.

* موضوع کنگره بین المللی حقوق تطبیقی که از طرف انجمن بین المللی نشر حقوق به زبان فرانسه در دمشق (سوریه) ۵ تا ۸ اکتبر ۱۹۹۶ - ۱۴ تا ۲۰ مهرماه ۱۳۷۵ برگزار شده است، تحقیق در مورد روشهای جایگزینی حل و فصل دعاوی در رشته‌های مختلف حقوق (جزائی، مدنی، اداری، مالیاتی، تجاری و غیره) بوده است که نویسنده این مقاله گزارش ملی را به زبان فرانسه به کنگره مزبور ارائه نموده است.

مقدمه

غیر قضائی کردن امور کیفری مبتنی است بر سلب صلاحیت مراجع قضائی در رسیدگی به دعاوی ناشی از جرائمی که مستوجب اتخاذ تصمیماتی با رنگ جزائی است. قانونگذار ایران به پیروی از نظام قضائی اسلام برای حل و فصل تخلفات جزائی ساده، به تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی و تصویب قوانین خاص مبادرت نموده است.

قسمت اول - قضاء زدائی و کیفر زدائی در حقوق جزائی

فصل اول - قضاء زدائی

فصل اول مقاله تحقیقی تقدیمی به کنگره دمشق با توجه به سؤالات مطروح توسط گزارشگر کل به بررسی موارد قضا زدائی و کیفر زدائی در حقوق ایران اختصاص یافته است.

قضا زدائی شامل مواردی چون، تخلفات و تعزیرات حکومتی؛ پرداخت جزای نقدی جرائم ناشی از تخلفات رانندگی (به استثنای قتل غیر عمدی موضوع مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ قانون... تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) با صدور قبض جرمه توسط ضابطین دادگستری؛ جرمه‌های مربوط به خودداری از پرداخت به موقع مالیات‌ها و جرمه‌های مربوط به تخلفات ساختمانی؛ هم چنین تعزیرات حکومتی خدمات تشخیصی و درمانی و تعزیرات توزیع و فروش دارو و شیر خشک و ملزومات پزشکی، دندانپزشکی و آزمایشگاهی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است که رسیدگی به آنها در صلاحیت مراجع غیر قضائی و سازمانهای اداری و اجرائی، در عین حال با نظارت مقامات قضائی است. در اینجا به جهت اهمیت و تعدد مصادیق تخلفات تعزیری به شرح تخلفات تعزیری و کیفرهای مربوط که رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است می‌پردازیم.

بخش اول - مصادیق تخلفات تعزیری

تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی در اجرای آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳ هیئت وزیران و قانون تعزیرات حکومتی (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی) در جهت ضرورت

نظارت و کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع و مبارزه علیه متخلفین از مقررات قانون تعزیرات حکومتی تشکیل گردید.

تخلفات و کیفرهای تعزیری شامل موارد زیر می باشد:

۱- گرانفروشی:

مبنی بر عرضه کالا یا خدمات به بهای بیش از نرخهای تعیین شده توسط مراجع رسمی بطور علی الحساب یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد.

کیفرهای تعزیراتی گرانفروشی براساس میزان و مراتب تخلف مرتکب، عبارت است از:

الف- گرانفروشی تا مبلغ بیست هزار ریال:

- ۱) تخلف در اولین مرتبه؛ تذکر کتبی، تشکیل پرونده. ۲) تخلف در مرتبه دوم؛ اخطار شدید، اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تخلف و مهور نمودن پروانه واحد به مهر "تخلف اول". ۳) تخلف در مرتبه سوم؛ جریمه از پنج هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی و مهور نمودن پروانه واحد به مهر "تخلف دوم". ۴) تخلف در مرتبه چهارم؛ جریمه از ده هزار ریال تا ده برابر میزان گرانفروشی، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و مهور نمودن پروانه واحد به مهر "تخلف سوم".
- ۵) تخلف در مرتبه پنجم؛ علاوه بر اخذ جریمه مرتبه چهارم، تعطیل موقت از یک تا شش ماه و نصب پارچه به عنوان گرانفروش. ۶) تخلف در مرتبه ششم؛ تعطیل نمودن و لغو پروانه واحد متخلف.

ب) گرانفروشی از مبلغ بیست هزار ریال تا مبلغ دویست هزار ریال برای:

- ۱) جریمه معادل مبلغ گرانفروشی و اخطار کتبی (برای تخلف مرتبه اول)؛
- ۲) جریمه از یک تا دو برابر میزان گرانفروشی و مهور نمودن پروانه واحد متخلف به مهر "تخلف اول" (برای تخلف مرتبه دوم)؛
- ۳) جریمه از یک تا پنج برابر میزان گرانفروشی، اخطار قطع خدمات دولتی و مهور نمودن پروانه واحد به مهر "تخلف دوم" (برای تخلف مرتبه سوم)؛

۴) اخذ جریمه طبق مرتبه سوم، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر تخلف سوم (برای تخلف مرتبه چهارم)؛

۵) علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه سوم، تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه و نصب پارچه به عنوان گرانفروش (برای تخلف مرتبه پنجم)؛

۶) تعطیل و لغو پروانه واحد (برای تخلف مرتبه ششم).

ج) گرانفروشی از مبلغ بیش از دوست هزار ریال تا یک میلیون ریال:

از مرتبه اول تا مرتبه چهارم؛ جریمه از یک تا دو برابر و دو تا پنج برابر میزان گرانفروشی، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه، تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه، نصب پارچه به عنوان گرانفروش و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر تخلف در هر مورد، تعطیل و لغو پروانه واحد و لغو کارت بازرگانی.

د) گرانفروشی بیش از مبلغ یک میلیون ریال:

از مرتبه اول تا مرتبه چهارم؛ جریمه از دو تا پنج برابر و پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه، نصب پارچه به عنوان گرانفروش، ممهور نمودن پروانه واحد به مهر تخلف در هر مورد، تعطیل و لغو پروانه واحد و لغو کارت بازرگانی.

برابر تبصره ماده ۲ قانون تعزیرات حکومتی، در صورت تکرار تخلف، اعمال تعزیرات متناسب با مبلغ و مراتب تخلف خواهد بود.

۲- کم فروشی و تقلب:

مبنی بر عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری شده از نظر کمی یا کیفی که مبنای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته است (ماده ۳ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری کم فروشی و تقلب با توجه به میزان و مراتب آن عیناً مطابق تعزیرات گرانفروشی می باشد.

۳- احتکار:

شامل نگهداری کالا به صورت عمدۀ با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه

توسط دولت (ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری احتکار به شرح زیر می باشد:

(۱) الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش کالا (برای مرتبه اول تخلف)؛

(۲) فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از بیست تا صد درصد ارزش کالا (برای مرتبه دوم تخلف)؛

(۳) فروش کالا توسط دولت، اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل به عنوان محتکر (برای مرتبه سوم تخلف)؛

(۴) علاوه بر مجازات مرتبه سوم، لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه های گروهی به عنوان محتکر.

برابر تبصره ماده ۴ قانون مزبور، در صورتی که نگهداری کالا با اطلاع مراجع ذیصلاح باشد، مشمول احتکار نیست.

۴- عرضه کالا در خارج از شبکه:

مبنی بر عرضه کالا بر خلاف ضوابط توزیع و شبکه های تعیین شده وزارت بازرگانی و سایر وزارتخانه های ذیربط (ماده ۵ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری این تخلف، نسبت به مقدار کالای به فروش رفته به شرح زیر است:

(۱) تذکر کتبی و قطع سهمیه به مدت سه ماه (برای تخلف مرتبه اول)؛

(۲) اخذ جریمه تا دو برابر مبلغ فروش خارج از شبکه (برای تخلف مرتبه دوم)؛

(۳) اخذ جریمه از سه تا پنج برابر فروش خارج از شبکه (برای تخلف مرتبه سوم).

برابر تبصره ماده ۵ قانون مزبور، چنانچه کالا به فروش نرفته باشد، علاوه بر عرضه کالا در شبکه، جریمه معادل ده درصد ارزش رسمی کالا اخذ خواهد شد.

۵- عدم درج قیمت:

شامل عدم درج قیمت کالاها یا خدمات مشمول به نحوی که برای مراجعین قابل رویت باشد، به صورت نصب برچسب یا اتیکت یا به صورت نصب تابلوی

نرخ در محل واحد (ماده ۶ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری عدم درج قیمت به شرح زیر است:

(۱) تذکر کتبی، درج در پرونده واحد (برای تخلف مرتبه اول)؛

(۲) اخذ جریمه از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال (برای تخلف مرتبه دوم)؛

(۳) اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال، قطع تمام یا برخی خدمات

دولتی از سه تا شش ماه و در صورت مصلحت نصب پارچه به عنوان متخلف.

برابر تبصره ماده ۶ قانون مزبور، در مواردی که قیمت رسمی برای کالا و خدمات

تعیین شده باشد، درج قیمت بر اساس قیمت رسمی خواهد بود.

۶- اخفاء و امتناع از عرضه کالا:

مبنی بر خودداری از عرضه کالای دارای نرخ رسمی به قصد گرانفروشی یا

تبعیض در فروش (موضوع ماده ۷ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری اخفاء و امتناع از عرضه کالا به شرح زیر می باشد:

(۱) تذکر کتبی، درج در پرونده واحد و عرضه کالا به نرخ رسمی (مرتبه اول

تخلف)؛

(۲) عرضه کالا به نرخ رسمی و اخذ جریمه از دو تا پنج برابر ارزش رسمی کالا

(مرتبه دوم تخلف)؛

(۳) علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از سه تا

شش ماه.

۷- عدم صدور فاکتور:

شامل خودداری از صدور فاکتور مطابق فرمها و ضوابط تعیین شده وزارت امور

اقتصادی و دارایی یا صدور فاکتور خلاف واقع در مورد اقلام مشمول (موضوع

ماده ۸ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری عدم صدور فاکتور به شرح زیر است:

(۱) تذکر کتبی، درج در پرونده واحد (برای تخلف مرتبه اول)؛

(۲) اخذ جریمه از پنج هزار تا پنجاه هزار ریال (برای تخلف مرتبه دوم)؛

(۳) اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال، قطع تمام یا برخی خدمات

دولتی از سه تا شش ماه، در صورت مصلحت نصب پارچه به عنوان متخلف.

۸- عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع:

مبنی بر عدم مراجعه و ارائه مدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع به مراجع قانونی بدون عذر موجه و بیش از مدت سه ماه از تاریخ ترخیص کالای وارداتی یا تولید محصول داخلی اقلام مشمول (موضوع ماده ۹ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع به شرح زیر می‌باشد:

۱) اخطار کتبی و تمدید مهلت حداکثر یک هفته (برای تخلف مرحله اول)؛
 ۲) جریمه از یک تا پنج برابر ارزش رسمی هر کالا و تمدید مهلت حداکثر یک هفته (برای تخلف مرحله دوم)؛

۳) علاوه بر مجازات طبق مرحله دوم، قطع سهمیه یا خدمات دولتی به مدت سه ماه و لغو کارت بازرگانی به مدت یک سال (برای تخلف مرحله سوم).

۹- عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی:

مبنی بر تخلف از ضوابط و مقررات تعیین شده دولت در مورد واردات که منجر به عدم اجرای تعهدات و یا کاهش کمی یا کیفی کالا و یا خروج ارز از کشور گردد (ماده ۱۰ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری تخلفات مزبور عبارت است از:

جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار و یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات، تعلیق کارت بازرگانی از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار از یکسال تا ابطال و در صورت وقوع سوء استفاده علاوه بر مجازاتهای فوق جریمه تا پنج برابر مبلغ سوء استفاده.

برابر تبصره ماده ۱۰ قانون مزبور، در صورتی که کالای وارده از نوع مجاز باشد، پس از اعمال مجازاتهای فوق به صاحب آن مسترد می‌گردد.

۱۰- عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات

دولتی:

مبنی بر عدم تولید و عرضه محصول طبق قرارداد و برنامه تعیین شده دولت از قبیل نوع، مقدار، قیمت، استاندارد شرایط تحویل و... بدون عذر موجه (ماده ۱۱

قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری تخلفات مزبور به شرح زیر می‌باشد:

تذکر کتبی ضمن درج در پرونده واحد، اعلام مراتب به وزارتخانه یا موسسه ذیربط، جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات و در صورت تکرار، علاوه بر مجازات فوق از یک تا سه برابر مبلغ سوء استفاده.

برابر تبصره ماده ۱۱ قانون مزبور، در صورتی که واحدهای تولیدی مبادرت به واردات مواد اولیه و یا کالای تجاری نمایند، مشمول ماده ۱۰ قانون مورد بحث خواهند بود.

۱۱- نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی:

مبنی بر عدم اخذ پروانه بدون عذر موجه ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط هیات عالی نظارت بر شورای مرکزی اصناف تعیین و اعلام می‌گردد (موضوع ماده ۱۲ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی متناسب با نوع واحدها شامل: اخطار کتبی و تمدید مهلت تا شش ماه، قطع خدمات دولتی، تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب، قطع سهمیه و جریمه تا پانصد هزار ریال می‌باشد.

۱۲- نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی:

مبنی بر عدم اخذ پروانه بهره‌برداری بدون عذر موجه ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط وزارتخانه‌های تولیدی (حسب مورد) تعیین و اعلام می‌گردد (موضوع ماده ۱۳ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری تخلف مزبور به شرح زیر است:

(۱) اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت ۶ ماه (در مرحله اول)؛

(۲) قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه، اخذ جریمه تا مبلغ

دویست هزار ریال و تمدید مهلت تا سه ماه (در مرحله دوم)؛

(۳) تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه بهره‌برداری (در مرحله سوم)؛

برابر تبصره ماده ۱۳ قانون مزبور، در مورد واحدهای فاقد گواهی از موسسه

استاندارد و تحقیقات صنعتی (در مورد اقلام مشمول استاندارد اجباری) که

تولیدات آنها از نظر ایمنی مضر باشد، بلافاصله نسبت به تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه اقدام می‌گردد.

۱۳- فروش ارزی، ریالی:

مبنی بر فروش کالا یا خدمات در مقابل دریافت ارزی یا واریز نامه ارز صادراتی بابت تمام یا قسمتی از بهای کالا یا خدمات در داخل کشور برخلاف مقررات قانون و مصوبات دولت (موضوع ماده ۱۴ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفرهای تعزیری تخلف مزبور عبارتست از:

اخذ کلیه ارز یا واریز نامه‌های دریافتی یا معادل ریالی آنها به نرخ بازار و در صورت تکرار، علاوه بر مجازات فوق، حسب مورد قطع سهمیه و خدمات دولتی یا لغو کارت بازرگانی از سه تا شش ماه.

۱۴- فروش اجباری:

شامل فروش اجباری کالا به همراه کالای دیگر در سطح عمده فروشی یا خرده فروشی (موضوع ماده ۱۵ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفر تخلف مزبور عبارتست از: جریمه از یک تا دو برابر ارزش کالای تحمیلی.

۱۵- عدم اعلام موجودی کالا:

مبنی بر عدم اظهار صحیح واحدهای عمده فروشی نسبت به مقدار موجودی کالاهای دارای نرخ رسمی که ضرورت اعلام آن توسط دولت تعیین می‌شود (موضوع ماده ۱۶ قانون تعزیرات حکومتی).

کیفر تخلف مزبور همانند کیفر تعزیری اخفاء و امتناع از عرضه کالا موضوع ماده ۷ قانون مزبور مندرج بند ۶ این تحقیق می‌باشد.

۱۶- تحویل عمده کالا به اشخاص غیر واجد شرایط جهت فروش برخلاف

ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت (موضوع ماده ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی):

کیفر تعزیری تخلف مزبور، علاوه بر مجازات فروشنده، عبارتست از محکومیت اشخاص حقیقی یا حقوقی خریدار کالا به پرداخت جریمه معادل یک تا سه برابر درآمدش من غیر حق برابر تبصره ماده ۱۷ قانون مزبور، در صورتی که کالا توسط خریدار به فروش نرفته باشد ضمن استرداد عین کالا، کلیه هزینه‌های جنبی به عهده خریدار می‌باشد.

نتیجه بحث:

از نوع کیفرهای تعزیری فصل اول قانون تعزیرات حکومتی که مربوط به بخش خصوصی است چنین استنباط می‌شود، که این ضمانت اجراها از شمول جرائم مستوجب کیفرهای قانونی که در صلاحیت مراجع قضائی است خارج بوده، و در واقع قضاء زدائی و کیفرزدائی برای تخلفات ناچیز امر مفیدی است که از تراکم کار مراجع قضائی و از سرگردانی قربانیان چنین تخلفاتی می‌کاهد. مامورین نیز نظارت مستقیم و سریع بر تخلفات داشته و این امر موجب باز داشتن متخلفین از سواستفاده در موارد عدیده می‌گردد.

تخلفات بخش دولتی موضوع فصل دوم قانون تعزیرات را تشکیل می‌دهد، که ضمانت اجرای تخلفات مزبور برکناری از خدمت و انفصال از خدمات دولتی و اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه دولت است، و استثنائاً برای اختلاس تا پنجاه هزار ریال، شش ماه تا سه سال حبس و هرگاه بیش از این مبلغ باشد، دو تا ده سال حبس و در هر مورد جریمه معادل دو برابر مبلغ اختلاس پیش بینی شده است.

آنچه که با اصول حقوقی در این قسمت مغایرت دارد، وجود حبس مزبور (آنهم استثنائی برای تخلفات بخش دولتی) و پیش بینی ماده ۵۲ قانون تعزیرات حکومتی است، که مقرر می‌دارد: «تخلفاتی که در این قانون پیش بینی نشده‌اند تابع قوانین و مقررات جاری کشور می‌باشند، و هرگاه برای تخلفات مذکور در این قانون در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد، مرتکب به کیفر اشد محکوم خواهد شد.» در واقع تعیین کیفر حبس و یا اعمال مجازاتهای مقرر در قوانین متفرقه، توسط شعب بدوی تعزیرات حکومتی و تایید آن توسط شعب تجدید نظر تعزیرات حکومتی موجب نقض حقوق دفاع متخلفین و یا متهمین گردیده، و حقوق آزادی‌های تضمین شده توسط قانون اساسی را برای اشخاص به مخاطره می‌اندازد. زیرا آراء صادره همیشه و الزاماً از طرف مقاماتی نیست که در امور قضائی صلاحیت رسیدگی به جرائم و تعیین مجازات‌ها را دارند. در واقع در مواردی، بخش اداری و اجرائی متصدی امر قضاء گردیده و تضمینات قانون اساسی را در امر تفکیک قوای سه‌گانه به مخاطره می‌اندازد.

مع هذا، آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی که رسیدگی و صدور رای راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در مراکز استانها و شهرستانها را به شعب بدوی و تجدید نظر واگذار نموده است، دز ماده ۲۶ خود صراحتاً" مقرر می دارد: «هرگاه تخلف اشخاص عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزائی را نیز داشته باشد، شعب تعزیرات حکومتی مکلفند به تخلف رسیدگی و رای قانونی صادر نمایند، و مراتب را برای رسیدگی به آن جرم به دادگاه صالح اعلام دارند. هرگونه تصمیم مراجع قضائی مانع اجرای مجازاتهای تعزیرات حکومتی نخواهد بود.»

به هر حال، در عمل شعب بدوی و تجدید نظر سازمان تعزیرات حکومتی برای اجرای مفاد ماده ۵۲ قانون تعزیرات حکومتی اولویت قائل شده، و مفاد ماده ۲۶ آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی را نادیده می گیرند. زیرا خود شعب در مورد جرائم نیز به صدور احکام جزائی حبس و غیره مبادرت نموده و کلیه سازمانهای دولتی نیز موظف به همکاری بوده، و باید در اجرای ماده ۳۵ آئین نامه مورد بحث موجبات اجرای آراء شعب تعزیرات حکومتی را فراهم سازند.

بخش دوم- سازمان تعزیرات حکومتی؛ نحوه رسیدگی به تخلفات و اجرای

رای صادره

۱- تشکیلات:

در اجرای قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱ آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳، سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر وزیر دادگستری تشکیل می گردد. رئیس سازمان، معاون وزیر دادگستری و توسط وزیر دادگستری منصوب خواهد شد، و به تعداد مورد نیاز معاون خواهد داشت (مواد ۱ و ۲ آئین نامه).

به منظور رسیدگی و صدور رای راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در مراکز استانها و شهرستانها، شعبی تحت عنوان شعب رسیدگی به تعزیرات حکومتی شامل شعب بدوی و تجدید نظر تشکیل خواهد شد (ماده ۸ آئین نامه).

شعب بدوی با حضور یک نفر رئیس تشکیل می گردد. شعب تجدید نظر با

حضور یک نفر رئیس و دو نفر عضو تشکیل می‌گردد. جلسه شعبه با حضور دو نفر رسمیت یافته و آراء صادره با دورای موافق معتبر و لازم‌الاجرا است. رؤسا و اعضاء شعب بدوی و تجدید نظر می‌توانند از بین قضات، کارمندان شاغل یا بازنشسته، روحانیون، نیروهای مسلح بوده و یا از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های حقوق، الهیات، علوم سیاسی و علوم اداری و بازرگانی و علوم اجتماعی که دارای حسن شهرت و عامل به احکام اسلام باشند، انتخاب شوند (ماده ۱۰ آئین نامه).

۲- نحوه رسیدگی:

الف - شروع به تعقیب

در اجرای ماده ۱۸ آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی، شعب بدوی تعزیرات حکومتی در موارد ذیل شروع به رسیدگی می‌نماید:

۱) گزارش مامورین سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات (سازمان اخیر الذکر در اجرای ماده ۱ آئین نامه مصوب ۱۳۷۳ مربوط زیر نظر وزیر بازرگانی تشکیل و رئیس سازمان توسط وزیر بازرگانی تعیین و به این سمت منصوب می‌گردد)، گزارش بازرسین و مامورین سازمان به منزله گزارش ضابطین سازمان تعزیرات می‌باشد (ماده ۸ آئین نامه اجرائی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات).

۲) گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضائی و دولتی و انتظامی

۳) شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی

ب) تصمیمات متخذه:

آراء شعب بدوی و تجدید نظر باید مستند به مواد قانون و مقررات مربوطه باشد، مواد استنادی ذکر گردد، و مقدمه آراء نیز باید حاوی گزارش کار و شرح تفصیلی تخلفات باشد. آراء شعب بدوی در مواردی که مجازات پیش بینی شده در قانون برای هر بار تا یک میلیون ریال جریمه باشد، قطعی و از ناحیه محکوم علیه نسبت به مازاد آن قابل تجدید نظر خواهی است (مواد ۲۰ و ۲۱ آئین نامه مزبور). هرگاه تخلف اشخاص، عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزائی را نیز داشته باشد، شعب تعزیرات حکومتی مکلفند به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نمایند، و مراتب را برای رسیدگی به آن جرم به دادگاه صالح اعلام دارند.

هرگونه تصمیم مراجع قضائی مانع اجرای مجازاتهای تعزیرات حکومتی نخواهد بود (ماده ۲۶ آئین نامه).

ج- اجرای حکم:

محکوم علیه موظف است پس از قطعیت رأی و ابلاغ به وی، حداکثر تا ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی نسبت به پرداخت جریمه متعلقه و اجرای رأی اقدام نماید. در غیر اینصورت جریمه از محل فروش اموال وی به نرخ رسمی اعلام شده "غیر از مستثنیات دین" وصول خواهد شد. محل کسب با فعالیت مستنکف از پرداخت جریمه تا وصول آن به رأی شعبه رسیدگی کننده تعطیل و در موارد لزوم مستنکف بازداشت خواهد شد (مواد ۳۲ و ۳۳ آئین نامه).

کلیه سازمانهای دولتی از قبیل سازمان ثبت اسناد و سازمان زندانها و نیروهای انتظامی، واحدهای ابلاغ و اجراء دادگستری، بانکها موظف به همکاری بوده، و همانند آراء قطعی محاکم عمومی و انقلاب موجبات اجرای آراء شعب تعزیرات حکومتی را فراهم می آورند (ماده ۳۵ آئین نامه مورد بحث).

فصل دوم - کیفرزدائی در حقوق جزائی

موارد کیفرزدائی در حقوق ایران، در متون قانونی مختلف پیش بینی شده است:

اول- عفو جانی توسط مجنی علیه قبل از مرگ

برابر ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط می شود، و اولیاء دم نمی توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند.

دوم- تعلیق اجرای مجازات

در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، دادگاه می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایطی از دو تا پنج سال معلق نماید. هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت‌های قطعی مستلزم حد، قطع یا نقص عضو، حبس بیش از یکسال در جرائم عمدی، جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال یا اعمال مجازات (به هر میزان) بخاطر ارتکاب جرم‌های عمدی دو بار

یا بیشتر (موضوع مواد ۲۵ و ۳۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می شود.

سوم- آزادی مشروط زندانیان

در اجرای ماده ۳۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد، دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید:

الف) هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا "حسن اخلاق نشان داده باشد؛
ب) هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پشش بینی شود که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد؛

ج) هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی را که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد، یا قرار پرداخت آن را بدهد، و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد، یا با موافقت رئیس حوزه قضائی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.

چهارم- الغای کفر زنا در موارد وطی به شبهه

برابر ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی، کیفرهای حد شلاق، قتل یا رجم در مورد زنا با وطی به شبهه منتفی می گردد.

پنجم- نحوه اجرای حکم شلاق به مریض

در اجرای ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی، هرگاه امیدی به بهبودی مریض نباشد، یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود، یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد فقط یکبار به او زده می شود، هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند.

ششم- عفو یا تخفیف مجازات محکومان

برابر ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی، عفو یا تخفیف محکومان، در حدود موازین اسلامی با پیشنهاد ریاست قوه قضایه از اختیارات مقام رهبری است.

هفتم- توبه بزهار و اختیار دادگاه

در جرائمی چون زنا، شرب مسکر و محاربه (موضوع مواد ۷۲، ۸۱، ۱۲۵،

۱۲۶، ۱۳۳، ۱۸۱، ۱۸۲ و ۱۹۴) قاضی اختیار دارد، تقاضای عفو بدهکار را از ولی امر بنماید، و یا حد را بر او جاری نماید.

هشتم- تخفیف یا تبدیل کیفر حبس به جزای نقدی

الف- برابر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد، و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد.

ب) تبدیل کیفر جرائمی که حداکثر مجازات آنها کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی (به استثنای قتل غیر عمدی مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵) باشد به جزای نقدی از ۷۰/۰۰۱ ریال تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال. هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از ۹۱ روز باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از ۷۰/۰۰۱ ریال تا ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال بدهد. در صورتیکه مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد، و به جای حبس و مجازات تعزیری، جزای نقدی مورد حکم واقع شود، هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد (بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی منتشره در روزنامه رسمی ۱۳۷۴/۱/۲۹). بدین ترتیب تبدیل مجازات موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی با قانون اخیرالذکر، مقید و محدود به موارد معین و مصرحه در قانون گردیده است.

نهم- فرار محکوم به رجم

هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتیکه زنای او به اقرار خود او ثابت شده باشد، برگردانده نمی شود، و مانند فرار شهود هنگام اجرای حد، کیفر حد ساقط می شود (مواد ۱۰۳ و ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی).

دهم- تبدیل حد سرقت به حبس با تحویل مال مسروقه

در سرقت مستوجب حد، در صورتیکه سارق پس از سرقت مال را در اختیار مالک قرار داده باشد، حد ساقط می شود. ولی با فقدان شرایط اجرای حد و موجبات اخلال در نظم یا خوف یا بیم تجری مرتکب یا دیگران، حبس تعزیری از

یک تا پنج سال قابل اعمال است (تبصره ۴ ماده ۱۹۸ و ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی).

یازدهم- دیه

به عنوان مالی که از طرف شارع برای جنایت تعیین گردیده طریقی است برای جایگزینی کیفر بدنی قصاص که اجرای آن گاهی به اختیار اولیای دم است، و در موارد قتل و صدمات بدنی شبه عمدی و خطائی محض و به تسبیب و حتی در قصاص عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوان‌ها یا جابجا شده آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد، باید دیه آن داده شود، چه مقدار آن دیه شرعاً معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد (مواد ۱۵ و ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی).

دوازدهم- تخفیف کیفر یا اسقاط آن در جرائم حقوق الناسی

در حقوق الناس که تعقیب مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد، و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرفنظر نماید. در اجرای ماده ۷۲۷ قانون... تعزیرات ۱۳۷۵ بجای تقسیم بندی جرائم به قابل گذشت و غیر قابل گذشت، باید جرائم را از این حیث به جرائم غیر قابل گذشت و جرائم تخییری تقسیم نمود.

زیرا دادگاه اختیار دارد به جهت گذشت شاکی، کیفر مجرم را ساقط نماید، و یا آنکه با امکان تخفیف در مجازات به تعیین کیفر مبادرت نماید.

قسمت دوم- دلایل حاکم آئین دادرسی و نقش جامعه در حل و فصل

دعاوی

در این قسمت در ارتباط با حل و فصل دعاوی؛ ترتیب رسیدگی به تخلفات، نحوه اثبات و نقش جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول- مراحل حل و فصل دعاوی و ترتیب رسیدگی

قضاء زدائی به اراده قانونگذار با تبدیل ضمانت اجرای کیفری به ضمانت اجراهای حقوقی یا اداری انجام می‌شود. بدین ترتیب، رسیدگی به امور ماهیتاً

جزائی، از نظر شکلی در صلاحیت مراجع غیر قضائی قرار می‌گیرد. بطور مثال، از جهت نظم عمومی رسیدگی به پاره‌ای از جرائم اقتصادی را می‌توان در صلاحیت مقامات قوه مجریه با ضمانت اجراهای لازم قرار داد، یا ایجاد و تشکیل سازمان تربیتی (در کنار دادگاه) که بوسیله متخصصین اداره شود، از تراکم کار روزمره دادگاههای اطفال (که فعلاً" در ایران تعطیل گردیده) می‌کاهد.

هم چنین به اراده قانونگذار، حل و فصل امور و دعاوی ممکن است در جریان رسیدگی یا گاهی در مرحله اجرای حکم به عمل آید.

بخش اول - طرق جایگزینی با نقش اراده اشخاص ذینفع

۱- پرداخت جریمه داوطلبانه و یک جانبه شخص متخلف با تشخیص مامورین انتظامی مانع تعقیب یا محاکمه مرتکب توسط یک مرجع جزائی می‌گردد. بطور مثال، پرداخت ارادی جریمه در جرائم خلافی ناشی از رانندگی اتومبیل مانع از تعقیب و محاکمه و اجرای حکم توسط مراجع قضائی است.

۲- در جرائم علیه اشخاص، چون قتل، ضرب، جرح و قطع عضو غیر عمدی یا به تسبیب، پرداخت ارادی دیه (خون بها) و خسارت عملاً" مانع تعقیب کیفری، محاکمه و صدور حکم می‌گردد. (تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰). ولی تنها در مورد قتل غیر عمدی به تسبیب در صورت عدم پرداخت داوطلبانه دیه و خسارت، طرح شکایت شاکی خصوصی و تعقیب کیفری مرتکب جرم (در اجرای ماده ۶۱۶ قانون... تعزیرات ۱۳۷۵) موجب محکومیت مسبب به حبس از یک تا سه سال علاوه بر پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم می‌گردد.

۳- صدور رأی محکومیت بدون حضور قبلی متهم پذیرفته شده است. ولی متهم حق اعتراض به حکم غیابی را دارد. این اعتراض به مرجعی تقدیم می‌گردد که مبادرت به صدور حکم نموده است. اعتراض به حکم غیابی نسبت به جرائم تعزیری امکان‌پذیر است، ولی در جرائم مستلزم حد، مانند زنا و محاربه، امکان محاکمه غیابی وجود ندارد. (ماده ۳۰ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۸).

۴- موارد موقوفی تعقیب متهم از طرف دادگاه مبتنی بر حل و فصل دعوی بین

متهم و بزه دیده است.

با توجه به ماده ۷۲۷ قانون... تعزیرات ۱۳۷۵، جرائمی وجود دارد که جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود، و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد، و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف‌نظر نماید. این قبیل جرائم که قانوناً قابل گذشت هستند، و نهایتاً دادگاه اختیار تخفیف مجازات یا انصراف از تعقیب مجرم را دارد، در ماده ۷۲۷ قانون... تعزیرات ۱۳۷۵ پیش بینی شده است، عبارتند از:

(۱) تخریب تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه و مجموعه‌های فرهنگی، تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، و قاچاق و خرید و فروش اموال تاریخی، فرهنگی و اصولاً تمامی جرائم مذکور در فصل نهم قانون... تعزیرات موضوع مواد ۵۵۸ تا ۵۶۶ قانون مزبور.

در کلیه جرائم مذکور در فصل نهم مورد بحث، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می‌شود. تعقیب با شکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود. ولی نهایتاً انصراف از تعقیب متهم توسط دولت منتهی به اعمال تخفیف یا گذشت از تعقیب بزه‌کار می‌گردد.

(۲) سو استفاده از حوائج شخصی افراد غیر رشید و تحصیل نوشته یا سند به ضرر او توسط ولی، وصی یا قیم (موضوع قسمت آخر ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات).

(۳) توهین به افراد یا هتک حرمت اشخاص (ماده ۶۰۸).

(۴) سقط جنین عمدی به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله (ماده ۶۲۲ ق.ت).

(۵) امتناع از دادن طفل سپرده شده (ماده ۶۳۲ ق.ت).

(۶) رها کردن طفل در محلی خالی از سکنه (ماده ۶۳۳ ق.ت).

(۷) ترک انفاق همسر یا امتناع از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه با داشتن استطاعت (ماده ۶۴۲ ق.ت).

(۸) افشاء اسرار مردم در غیر از موارد قانونی (ماده ۶۴۸ ق.ت).

(۹) تهدید و اکراه برای اخذ سند یا امضاء (ماده ۶۶۸ ق.ت).

(۱۰) تهدید به قتل یا به افشای اسرار یا به ضررهای نفسی، شرفی و مالی (ماده

۶۶۹ ق.ت).

(۱) آتش زدن اشیاء منقول متعلق به دیگری (ماده ۶۷۶ ق.ت).

(۱۲) تخریب به اتلاف یا ازکار انداختن عمدی اشیاء منقول یا غیر منقول متعلق به دیگری (ماده ۶۷۷ ق.ت).

(۱۳) کشتن، مسموم، تلف یا ناقص کردن حیوانات حلال گوشت دیگری یا حاصل از شکار غیر مجاز (ماده ۶۷۹ ق.ت).

(۱۴) سوزاندن یا اتلاف اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي و غیر دولتي به زیان دیگر (ماده ۶۸۲ ق.ت).

(۱۵) چراندن محصول دیگری یا تخریب تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان دیگری یا قطع و درو نمودن محصول دیگری یا خشکاندن و تضييع محصول یا غیر قابل استفاده کردن آسیاب دیگری (ماده ۶۸۴ ق.ت).

(۱۶) از بین بردن بدون مجوز قانونی یا قطع اصله نخل خرما (ماده ۶۹۰ ق.ت).

(۱۷) تصرف عدوانی، ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق (ماده ۶۹۰ ق.ت).

(۱۸) تصرف ملک دیگری به قهر و غلبه (ماده ۶۹۲ ق.ت).

(۱۹) ورود به منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید (ماده ۶۹۴ ق.ت).

(۲۰) افتراء با نسبت دادن امر مجرمانه به دیگری و انتشار آن (ماده ۶۹۷ ق.ت).

(۲۱) نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸ ق.ت).

(۲۲) دلیل تراشی برای متهم ساختن دیگری (ماده ۶۹۹ ق.ت).

(۲۳) هجو دیگری با نظم و نثر و انتشار هجویه (ماده ۷۰۰ ق.ت).

۵- در مورد جرائم علیه تمامیت جسمانی، اخلاقی، اموال و مالکیت، مذاکره و حکمیت، برای صلح و سازش بادیه و یا جبران خسارت نقش مهمی در حل و فصل دعاوی و اختلافات دارد. ولی در بعضی موارد مانند قتل، قطع عضو و جرح عمدی، انجام این قبیل اقدامات ممکن است منتهی به سقوط قصاص در هر مرحله‌ای از دادرسی و تا زمان اجرای حکم گردد^(۱).

مع هذا، دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور حکم حبس از ۳ تا ۱۰ سال برای قتل و ۲ ماه تا یکسال حبس در مورد قطع عضو و جرح عمدی بر حسب ضرورت برقراری نظم جامعه یا پیشگیری از خوف اشخاص و یا بیم تجری مرتکب یا

دیگران نماید (مواد ۲۰۸ و ۲۶۹ قانون جزای اسلامی).

بخش دوم - نحوه اثبات تخلف، آئین دادرسی و نقش جامعه در حل و

فصل دعاوی

۱- کارشناسی و کشف علمی جرائم به عنوان جایگزین دلایل سنتی

الف) نقش و موقعیت دلایل اثبات تخلفات

در حقوق ایران، اقرار در دادرسی کیفری نقش مهمی دارد. در یک مفهوم کلی، اقرار اخبار مقربه تحقق امری است که علیه شخص وی واجد آثار قانونی است^(۲). اقرار به معنی اخص کلمه عبارت از:

"اظهاراتی است شفاهی و یا کتبی که طی آن ذینفع صحت تمام یا جزئی از اتهامات وارده علیه خود را تایید می نماید"^(۳).

چنین اقراری در امور کیفری ممکن است ناشی از تهدید و فشار و حتی صوری و در جهت بیگناه جلوه دادن افراد خانواده و مورد علاقه باشد. در نتیجه بجای نگهداری متهم برای مدتی طولانی در حبس به انگیزه الزام و اجبار وی به قبول اتهام، بهتر است برای رجوع به کارشناسی و نتایج ناشی از کشف علمی جرائم ارزش اثباتی بیشتری قائل شده، و چنین مستنداتی را جایگزین اخذ اقرارهای سنتی نمائیم، تا از اطاله دادرسی کاسته شود. در هر حال محدود ساختن دادگاهها به اخذ قرار و شهادت در اثبات جرائم، بجای دلایل علمی، منتهی به صدور حکم در مهلت های طولانی می گردد.

ب) حق دفاع

در مقررات تعزیرات حکومتی، حق دفاع متهم و متخلف توسط شخص آنان صریحاً پیش بینس گردیده، لیکن به دفاع آنان توسط وکیل اشاره ای نشده است.

۲- طرق جایگزینی و مداخله جامعه در حل و فصل دعاوی

الف) میانجیگری اشخاص خیر خواه و فعال در حل و فصل مناقشات و دعاوی، اقدامی است شخصی، اخلاقی که با درخواست بستگان بزه دیده و بزهکار بعمل می آید. بنابراین مراجع قضائی دخالتی مستقیم در حل و فصل دعاوی ندارند.

ب) در مورد چگونگی مبارزه با مواد مخدر، درمانی کردن اقدامات تحت کنترل قوه قضائیه امری اجباری است، و معتادان به مراکز نگهداری ویژه اعزام می گردند.

بنابراین امر درمان معتادان در بیمارستان نبوده، و قوه قضائیه نقش مبارزه علیه معتادان را با تعقیب و صدور حکم جزائی علیه معتادان به عهده دارد.

نتیجه

با عنایت به سودمندی حل و فصل امور جزائی قبل از تعقیب و صدور حکم، شایسته است، در آینده مسئله صادر کنندگان چک پرداخت نشدنی از طریق کیفرزدائی صدور چکهای عادی (موضوع بند ۱ ماده ۱ اصلاحی قانون صدور چک) با حفظ دعوی حقوقی و اقدام از طریق اجرای ثبت حل گردد. زیرا، با وجود چکهای تایید شده، تضمین شده و مسافرتی دیگر نیازی به حمایت دارندگان چنین چکهائی نیست، چه ضرورتی وجود دارد که دولت برای حمایت دارندگان چنین چکهائی، متحمل مخارج سنگین تعقیب، محاکمه، نگهداری زندانیان در زندانها و سرگردانی خانواده‌ها گردد. کیفرزدائی چکهای عادی موجب کم شده پرونده‌های مطروح و کاهش هزینه نگهداری زندانیان می‌گردد. در مورد سایر انواع چک مشکلی وجود ندارد، زیرا بانک‌ها چکهای صادره را معادل مبلغ دریافتی قبلی صادر می‌کنند، و موضوع بلامحل ماندن چکهای مزبور منتفی است.

در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار، ایجاد مراکزی ویژه برای تعلیم و تربیت اطفال و نوجوانان ضرورت دارد. تشکیل چنین مراکزی مانع اعزام چنین بزهکارانی به مراجع قضائی کیفری می‌گردد. بخصوص که در ایران سن مسئولیت کیفر برای دختران ۹ سال و پسران ۱۵ سال قمری است. بدین ترتیب مراجع قضائی می‌توانند به دعاوی مهم‌تری رسیدگی نموده و با فراغت بیشتر مبادرت به صدور احکام عادلانه‌تر و منصفانه‌تری نمایند.

پس نوشت

۱- گلدوزیان، دکتر ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی؛ ج اول؛ ج پنجم؛ تهران: انتشارات مرسه جهاد دانشگاهی،

۱۳۷۴، ص ۷۷.

۲- گلدوزیان، دکتر ایرج؛ حقوق کیفری تطبیقی؛ ج اول؛ ج اول؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴، ص ۸۶.

3-MERLE, R. 'et VITU, Traité de droit criminel, p. 752.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی